

### كودك از نظر وراثت و تربيت

عنوان فوق نام كتابى است كه چند ماه قبل از طبع خارج شده و مورد استقبال عجيبي قرار گرفت . اين كتاب مجموعه پانزده سخنرانى از سخنرانىهاى خطيب توانا و دانشمند جناب آقاى فلسفى است كه در ماه رمضان ۱۳۸۱ در مسجد حاج سيد عزيز الله تهران ايراد شده است خواننده در اولين مطالعه خود بخوبى ميتواند چنانچه ابنت سخن و بلاغت كلام و درعين حال حسن سليقه و اطلاعات وسيع گوينده را درك كرده و از مطالب علمى و درعين حال شيرين و سرشار از لطف طبع و ذوق آن بهره وافى گيرد .

ما بنوبه خود انتشار اين كتاب را بجامعه مسلمين تيريك گفته و اميدواريم جلد دوم آن و همچنين مجموعه هاى ديگرى نيز از آثار و سخنرانىهاى معظم له در معرض استفاده عموم قرار گيرد . و اينك براى نمونه قسمتى از پانزدهمين سخنرانى اين كتاب را كه تحت عنوان « تربيت در برتو عدل و آزادى » ايراد شده است ، نقل ميكنيم . باشد كه مورد استفاده و توجه كامل قرار گيرد

مكتب تشيع

از خطيب دانشمند:

جناب آقاى فلسفى

تكمال در پرتو آزادى

بشر زمانی میتواند در راه کسب کمال قدم بردارد و بترقی واقعی برسد و تمایلات باطنی خود را وصول بتعالی ارضاء نماید که راه پیشرفت در مقابلش باز باشد و موانع اساسی سد راه او نشود.

چه مقدار سر مایه‌های روانی در اثر نداشتن شرائط مساعد عاطل و بی اثر مانده است! چه بسیار مردمی که در راه احیاء استعداد-های خود بموانع طبیعی یا مزاجی یا اجتماعی و سیاسی بر خورد کردند و از ابراز آنها محروم مانده و در نتیجه از ترقی و تکامل باز ماندند!

### کتابخانه فیضیه قم

یکشاخه گل در شرائط مساعد: در هوای آزاد و استفاده کافی از آب و غذا و آفتاب شکوفه میکند و گل میدهد، استعدادهای درونی بشر نیز در محیط مناسب و شرائط مساعد شکفته میشود و نتایج سودمندش آشکار میگردد.

یکی از اساسی‌ترین شروط تعالی و تکامل برای کودکان و بزرگسالان آزادی محیط زندگیست: در شرائط زور گوئی و تجاوز؛ در محیط رگبار استبداد و خفقان، در جائیکه یأس بجای امید و ظلم بجای عدل، خود سری بجای قانون و ترس بجای آرامش خاطر، بر مردم حاکم باشد؛ قطعاً امید تعالی و تکامل حقیقی در آنجا وجود ندارد کسانیکه در چنین شرائطی زندگی میکنند هرگز قادر نیستند استعدادهای نهانی و ذخائر روانی خود را بطور شایسته از قوه بفعولیت بیاورند و بترقی و تعالی واقعی خود نائل گردند.

## پرورش در محیط مساعد

خانواده کانون پرورش کودک است ، و مملکت محیط پرورش بزرگسالان . بدون تردید شرط اول پرورش صحیح و احیاء استعداد های مختلف ، محیط مناسب و شرایط مساعد است ؛ هر خاندانی قادر نیست بر نامه تربیتی حضرت مجتبی علیه السلام را در مورد فرزندان خود اعمال نماید ؛ هر پدری نمیتواند با آن زبان که امام مجتبی علیه السلام بیان فرموده با کودکان خود سخن بگوید ، این طرز گفتار شایسته خاندا نیست که اساس آن بر پایه فضیلت و آزادگی استوار باشد .

برای اینکه معنی خوب و بد محیط خانواده بخوبی واضح شود و ارزش آزادی در اساس تعلیم و تربیت روشن گردد ؛ گفتار امروز را باین بحث اختصاص میدهم ، امید است مفید و سودمند باشد .

## مقایسه کشور با خانواده

هر کشوری بمنزله يك خانواده بزرگ و پر جمعیت است و تمام مردان و زنان و کودکان کشور اعضاء این خانواده بزرگ هستند ، چنانکه هر خانواده بمنزله يك کشور کوچک کم جمعیتی است و اعضاء خانواده افراد آن کشور هستند ، پدر و مادر در کشور کوچک خانواده بجای همت ها که در خانواده بزرگ مملکت است .

امور مملکت گاهی بدست یک فرد مستبد و خود سرو نظریه های هوس آمیز و غیر منطقی او اداره میشود ، و مردم کشور را با ارباب و تهدید ، مجازاتهای خشن و غیر انسانی ، باطاعت و امیدارد ، و گاهی قوانین

عاقلانه و عادلانه بر اساس حق و فضیلت ، آزادی و محبت ، کشور را اداره میکند .

در خانواده نیز گاهی پدران تندخو و بی ایمان ، مادران لاپروا و بد اخلاق ، از راه ایذاء و فحاشی با شدت و خشونت غیر قابل تحملی حکومت میکنند و از راه مجازات و ترس ، اعضاء خانواده را بانجام وظائف و امیدارند : و گاهی فضیلت ایمانی و اخلاقی پدر ، مهر و محبت عاقلانه مادر ، در خانواده محیط پاک و سعادت بخشی بوجود می آورند ، اعضاء خانواده را شادمان و امیدوار می کنند و هر کسی با علاقه و اطمینان نفس ، وظائف خویش را انجام میدهد .

### استبداد و خودسری

آئین مقدس اسلام در چهارده قرن قبل ، و مردان دانشمند عالم در جهان امروز ؛ اداره يك مملکت را با استبداد رأی و خودسری یکفرد ، و استفاده از شکنجه و عذاب ، محکوم و مطرود شناخته اند و زندگی در چنین شرایطی رازندگی انسانی نمی دانند .

همچنین اداره يك خانواده را از راه تعدی و ستمگری ، بوسیله خشونت و بد زبانی ، نادرست دانسته و محیط آن خانواده را کانون سعادت و خوشبختی مهد پرورش فرزندان شریف و شایسته نمی شناسند .

هیئت حاکمه يك کشور و طرز حکومت آنان در شئون اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی و تربیتی ؛ و خلاصه کلیه جهات مادی و معنوی مردم اثر مستقیم دارد . بطوریکه اوضاع ظاهری و معنوی يك ملت را از وضع هیئت حاکمه و کیفیت حکومت آنان بر مردم بخوبی میتوان

تشخیص داد. علی علیه السلام میفرمود :

**الناس بامرائهم ائمه شبه منهم بائهم (۱)**

مردم هر مملکت ساخته دو محیط و تحت تاثیر دو قدرت هستند :  
اول محیط خانواده و قدرت تربیتی پدران ، دوم محیط کشور و رفتار  
هیئت حاکمه . ولی حضرت علی (ع) قدرت نفوذ تاثیر حاکمه را  
در ساخت اجتماع از محیط خانواده و قدرت پدران زیاد تر دانسته و  
فرموده است : شباهت مردم بهیئت حاکمه خود از شباهت آنان پدران  
خویش بیشتر است ..

### تفاوت آزادی و استبداد

کشوریکه با اصول عدل و قانون در پرتو آزادی و مهر و محبت  
اداره میشود با کشوریکه استبداد و خود سری ، زور گوئی و ستم ،  
شکنجه و ایذاء بر آن حاکم است از جهات متعددی با یکدیگر تفاوت  
دارند .

امروز بخواست خداوند بعضی از آن جهات را توضیح میدهم  
و با طرز اداره خانواده که بمنزله کشور کوچکی است مقایسه میکنم  
در این مقایسه تا اندازه ای معنی محیط خوب و بد خانواده و نتایج و  
مضر آن بر شنوندگان محترم روشن میشود . امید است پدران که خود  
فرزندان خانواده بزرگ کشور هستند متوجه باین مقایسه ، مسئولیت  
خود را در مورد فرزندان خویش بهتر درک کنند و اداره خانواده را  
بر اساس بهتری استوار سازند ؛ وظایف سنگین و پر ارزش پدری را در

تربیت کودکان مراعات نمایند و با آنان طوری رفتار کنند که موجب رضای خداوند و مطابق شرع مقدس اسلام باشد .

۱- آرامش خاطر و امنیت از ترس و وحشت شرط اول سعادت و خوشبختی انسان است . در اجتماعیکه مردم امنیت فکری ندارند و زندگی آنان توأم با اضطراب و نگرانی است ؛ در آنجا سعادت حقیقی و کمال واقعی راه ندارد . عدل اجتماعی تنها قدرتی است که میتواند دل‌های مردم را مطمئن و آرام کند و با آنان امنیت و آرامش خاطر بخشد

### آزادی و آرامش روان

در کشوریکه عدل و قانون حکومت میکند، در کشوریکه حدود و وظایف زمامداران و مردم بموجب قوانین عادلانه تعیین شده است در کشوریکه زمامداران ، خود مطیع قانون هستند و موظفند با تمام مردم روی اصل عدل و قانون رفتار نمایند و حق کوچکترین خود سری و تجاوزی ندارند ؛ آنجا محیط آزادی و انسانیت است ، در آنجا همه مردم در باطن خود احساس آرامش و امنیت میکنند، در آنجا وحشت و نگرانی نیست و از ناحیه زمامداران و صاحبان قدرت ظلم و آسیبی بمردم نمیرسد در چنین کشوری راه تکامل و تعالی بروی همه مردم باز است ، هر کس میتواند با اطمینان برای خوشبختی و سعادت خویش فعالیت کند و از نتایج سودمندش بهره‌مند شود .

### استبداد و نگرانی

در کشوریکه خود سری و استبداد بر مردم حکومت میکند، در کشوریکه عدل و قانون ، حق و انصاف عملاً احترامی ندارد، در آنجا

آزادگی و حریت فکر نیست . ترس و اضطراب مانند آبی تیره ای سراسر افق کشور را پوشانده است ، مردم آراش و امنیت روحی ندارند شب و روز را با نگرانی خاطر میگذرانند و مانند برده یا اسیر بدون اراده و اختیار هستند . هر لحظه ممکن است زمام دار خود سر و مغرور بیک یا چند نفر بد بین شود و مانند درنده خونخواری حمله کند و بدون قید و شرط هستی آنها را بگیرد و بحیاتشان خاتمه دهد . زندگی در چنین کشوری جز بد بختی و محرومیت نیست ، در آنجا هر گز مردم بکمال لایق انسانی نمی‌رسند ، خوشبخت و سعادت‌مند نمی‌شوند .

در آنجا مردم بعلت ترس و وحشت در ظاهر بستمگران خود سر احترام میکنند ، و برای مصون ماندن از شر آن درنده خویان ، اوامرشان را اطاعت مینمایند ، ولی در باطن با آنها نفرین میکنند و بر آنان لعنت میفرستند .

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اطاعات بعلت ترس

اسلام باین زمامداران ستمگر و باین فرو مایگان خودسر ، که با حربه ظلم و تجاوز بر مردم حکومت میکند بسیار بد بین است و آنان را در پیشگاه خداوند بدترین مردم معرفی فرموده است .

عن جابر بن عبد الله، قال قال رسول الله (ص) : شر الناس

يوم القيمة الذين يكرمون اتقاء شرمهم . (۱)

رسول اکرم (ص) میفرمود : بدترین مردم در قیامت کسانی

هستند که بعلمت مصونیت از شرشان مورد احترامند .  
رسول اکرم (ص) در ضمن حدیثی فرموده است :

ویل لمن تزکیه الناس مخافة شره ، ویل لمن اطیع مخافة  
جوهره ، ویل لمن اکرم مخافة شره . (۱)

وای بر حال کسیکه از ترس شرش تمجید میشود؛ وای بر حال کسیکه  
از خوف ستمگریش مورد اطاعت باشد ، وای بر حال کسیکه از ترس  
آزارش او را احترام کنند .

قال النبی (ص) : الا ان شرار امتی الذین یکرهون مخافة

شرهم ، الا من اکرمه الناس اتقاء شره فلیس منی (۲)

رسول اکرم (ص) فرمود : آگاه باشید بدترین مردم در امت  
من کسانی هستند که از ترس آزارشان مورد احترامند . آگاه باشید  
کسی را که مردم از ترس شرش احترام کنند از من نیست و با من بستگی  
روحانی ندارد .

### اطاعت در محیط آزاد

در محیط عدل و آزادی ، اطاعت مردم از مقررات ناشی از وظیفه  
شناسی و نیل بخوشبختی و سعادت است ، ولی در کشور خودسری و استبداد ،  
در محیط زجر و خشونت ، منشأ فرمانبرداری مردم از دستورات مقرره ؛  
غریزه صیانت ذات و بمنظور حفظ جان و سلامت است ، زیرا میدانند  
با احتمال کوچکتزین تخلف دچار بزرگترین مجازات خواهند شد!

(۱) مجموعه ورام جلد ۲ صفحه ۱۱۵

(۲) سفینه شرک صفحه ۶۹۵



در دولتهای استبدادی مردم همگی بند گانند و کسی را بر دیگران امتیازی نیست؛ مستبد بهیچگونه قاعده‌ای پایبند نیست و هوسهای او را فوق تمام مقررات است و می‌خواهد دیگران را نابود و محو کند (۱)

در حکومت‌های استبدادی طبیعت حکومت یک اطاعت نامحدودی را ایجاب می‌کند.

در این حکومت‌ها در باره او امر صادره، تغییر، مهلت، سازش، موعد، نعم‌البدل؛ مذاکرات، ایرادات، و هیچ نوع میانجیگری وجود ندارد.

در این حکومتها انسان یک مخلوقی است که تابع اراده یک مخلوق دیگر می‌باشد. در اینچنین حکومت‌ها نمی‌توان از احتمال وقوع پیش‌آمدی اظهار نگرانی کرد.

در لوای حکومت استبدادی انسان مانند حیوانات نصیبی جز غریزه طبیعی و اطاعت و تنبیه ندارد (۲)

حکومت استبدادی مبنی بر اصل ترس است و برای ملل ترسو و نادان و از پا افتاده قوانین زیادی لازم نیست، همه‌چیز در آنجا باید بر دو پایه فکر استوار باشد. بنابراین این افکار جدیدی لزوم ندارد؛ زیرا هنگامی که شما یک حیوان را تربیت می‌کنید فقط مواظب هستید که کسی حیوان را از شما نگیرد و صاحب خود را بشناسد و رفتار او عوض نشود

شارل دوازدهم هنگامیکه در بندر بود چون دیدسنای سوئد اندک مخالفتی ابراز میدارد بآن مجلس نوشت که یکی از چکمه های خود را خواهد فرستاد تا بر آنها فرمانروائی کند ! (۱)

پست ترین کشور و بد بخت ترین مردم آن کشور و ملتی است که از نعمت عدل و قانون ؛ آزادی و فضیلت محروم باشد ، زندگی در محیط ذلت بار و خفقان آور ؛ خودسری و زور گوئی بدون تردید از زندگی يك حيوان بمراتب بدتر و پست تر است .

### عدل در خانواده

پدران در کشور کوچک خانواده ، بطرز های مختلفی حکومت می کنند .

بعضی از پدران عاقل و با ایمان که مطیع اوامر الهی و موازین علمی هستند امور خانواده را با اصل عدل و انصاف و احترام بحق و فضیلت اداره مینمایند .

اعضاء این خانواده با منیت و آرامش فکر زندگی میکنند و هر يك با شادی و مسرت و وظائف امروز را بامید سعادت و خوشبختی فردا انجام میدهند ؛ اشعه مهر و محبت تمام زوایای آن خانه و خانواده را روشن کرده است .

بر عکس بعضی از پدران نادان و بداخلاق که نه پیرو وظائف

مذهبی هستند و نه مطیع مقررات علمی و عقلی، برای اینکه در محیط منزل حاکم مطلق باشند و او امرشان بیچون و چرا اجرا شود، بروش غلط استبداد و خودسری متوسل میشوند.

### استبداد در خانواده

بوسیله فحاشی، وهتاکی و عر بده‌های گوش خراش و سخنان رکیک قدرت خود را تثبیت میکنند، با همسر و کودکان خود معامله بدتر از حیوان مینمایند و با چوب و شلاق وسیله و گاهی با مجازات زندان و گرسنگی و تشنگی آنان را شکنجه و عذاب میدهند و محیط خانواده بزندان و وحشت انگیز و غیر قابل تحمل تبدیل میکنند!

وقتی صدای خشن مرگبار آنان در محیط منزل منعکس میشود اطفال بیگناه با چهره‌های باخته و روح وحشت زده بهر طرف میگریزند و مانند بره‌ای که گرگ دیده باشد بر خود میلرزند، شب باروحی پر از عقده و تأثر بستر خواب میروند و چون صبح بیدار میشوند و بیاد پدر دیوانه و بداخلاق خود می‌افتند چنان آزرده خاطر و افسرده میشوند که گوئی توان حرکت ندارند.

### اثر سوء استبداد

در چنین خاندانی خوشبختی و سعادت نیست، آرامش فکر و اطمینان خاطر وجود ندارد، ترس و وحشت تمام خانه را فرا گرفته است، اعضاء خانواده هر لحظه خود را در خطر ایذاء و عذاب می‌بینند در چنین خاندانی کودکان نه تنها بر رشد معنوی و کمالات لایق خود نمیرسند، بلکه بدنشان نیز بعلت وحشت و اضطراب از رشد طبیعی خود باز میماند.

این قبیل پدران خود و عائله خود و جامعه‌ای که بچه‌ها را برای آن می‌پرورند ستم غیر قابل جبرانی نمیکنند؛ این پدران طبق موازین اسلامی - رمقابل هر یک از فحشها و ضرب‌به‌های بدنی مؤاخذ و مسئولند و اگر اطاعت زن و فرزند از ترس فحاشی و شلاق و خلاصه از وحشت ستمگری پدران باشد، مشمول احادیث رسول اکرم هستند در پیشگاه خداوند از بدترین مردم شناخته شده و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یحاً آنها را طرد نموده و از خود رانده است.

لازم است این قبیل پدران و جدان اخلاقی خود را حکم قرار دهند و آنرا که برای خود نمیخواهند برای دیگران نخواهند. همانطور که خودشان از زندگی کردن در محیط استبداد و خودسری، دره محیط خشونت و ستمگری متنفرند راضی نشوند زندگی را برعائله خود تلخ و ناگوار سازند و کشور کوچک خانواده را ناامن و وحشت‌زا کنند؛ و بازن و فرزندان خویش مانند اسیران محکوم بمرگ معامله نمایند.

### ترس از مجازات

۲- بدون تردید در هر کشور برای ایجاد نظم و انضباط و جلوگیری از هرج و مرج مقرراتی لازم است، و برای حسن اجراء مقررات باید متخلفین مجازات شوند، ترس از مجازات، مردم را باطاعت و امیدارد. نکته قابل ملاحظه اینست که در کشور خودسری و زور، مجازات نظم و حسابی ندارد؛ ممکن است کوچکترین رنجش خاطر زمامدار مستبد بقیمت جان صدها نفر بیگناه تمام شود در آنجا مجازات بر اساس ارتکاب جرم و رسیدگی قضائی نیست، بلکه مطلب تنها روی هوای نفس و میل

شخصی زمامدار میگردد . ولی در کشور عدل و قانون ، در کشوری که وظائف مردم و هیئت حاکمه بموجب مقررات عادلانه تعیین و اندازه گیری شده است ، هوا و هوس زمامداران و تمایلات شخصی آنان بی اثر است ، در آنجا هیچکس از شخص معینی نمیترسد ، تنها هر انسانی که مرتکب جرمی شود پس از رسیدگی صحیح و عادلانه قضائی بتناسب جرم کیفر میبیند .

بعبارت دیگر منشأ ترس مردم در کشور استبداد ، زور گوئی و تجاوز کاری زمامدار مستبد است ، و در کشور عدل و قانون ، منشأ ترس هر انسان گناهی است که خودش مرتکب شده و مستحق مجازات قانونی گردیده است .

امروز بهترین و آزادترین کشورهای جهان آن مملکتی است که قوانین عادلانه بر تمام شئون آن حاکم باشد و کلیه مردم آن کشور از هر طبقه و مقام ؛ بدون خوف و هراس ، در سایه عدل و قانون با آرامش روح و آسایش جسم زندگی کنند

### اسلام و امنیت

پیشوای بزرگ اسلام ، در چهارده قرن قبل ، سازمان اجتماعی کشور خود را بر این اساس پی ریزی کرده عدل و قانون در همه و بهمهم مردم امنیت روحی و آرامش نفس داد ، خوف و هراسهای بی حساب دوره جاهلیت که معلول خود سرپها و زور گوئیهای رؤساء مستبد و سرکش بود بکلی از میان رفت ، یک فرد مسلمان تنها از گناه خود میترسید

برای آنکه شنوندگان محترم بساین اصل اساسی بهتر تو جه فرمایند توضیح مختصری در این باره بعرض شما میرسانم .

برای حسن اجراء و ظایف دینی در باطن هر فرد مسلمان ، دو خوف و جود دارد . یکی خوف از خداوند و مجازاتهای اخروی ، و دیگری خوف از حکومت و کیفر های قانونی دنیوی ، و در هر مورد منشأ خوف ، گناهان خود اوست

### قسمت اول خوف از خدا :

#### معنی خوف از خدا

هر انسان مسلمان باید برحمت و اسعه الهی امیدوار باشد و از عذاب او خائف ولی خوف از پروردگار مهربان و عادل هرگز بمعنی خوف از يك زمامدار مستبد ستمگر نیست . زما مدار مستبد قدرتش متکی بخشونت و ستمگری است و در حریم مقدس پروردگار مهربان ، ظلم و ستم راه ندارد . خداوند روی اصل عدل و حق گناهکاران را بسبب گناه مجازات میکند و خوف از خداوند یعنی خوف از مجازات گناه .

#### خوف از مقام خدا

بهمین جهت در قبر آن شریف خوف مردم را متوجه بمقام خدا کرده است ،

يك جا فرموده است :

و لمن خاف مقام ربه جنتان . (۱)

و در جای دیگر گفته:

**و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی (۱)**

آنکس که از مقام خدا بترسد و نفس خود را از هواهای غیر مشروع باز دارد پاداش او بهشت است .

مقام خدا علم بجرم مجرمین است ، مقام خدا قدرت بر مجازات گناهکار است ، مقام خدا حمایت مظلوم و کیفر ظالم است ، و خلاصه مقام خدا مقام حق و عدل است . کسیکه از مقام دادستانی خدا خائف باشد پیرامون گناه نمیگردد .

**عن ابی عبد الله (ع) فی قول الله عز وجل . «ولمن خاف مقام**

**ربه جنتان» قال : من علم ان الله یراه ویسمع ما یقول ویعلم ما یعمله من خیر وشر فیحجزه ذلك عن القبیح من الاعمال فذلك الذی :**

**«خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی» (۲)** .

آنکس که بداند خداوند گفتار او را می بیند و میشنود ، آنکس که بداند خداوند از کارهای نیک و بد او باخبر است و همین علم و عقیده ایمانی او را از کارهای زشت بازدارد؛ چنین کسی از مقام خدا ترسیده و نفس خود را از هواپرستی منع نموده است .

**ترس از مقام دادستان .**

مقام دادستان در کشورهای قانونی مقام تعقیب جانی و مجازات قاتل است ، دادستانست که جنایتکار را بمحکمه میکشد و او را محکوم

(۱) سوره ۷۹ آیه ۴

(۲) تفسیر برهان صفحه ۱۰۷۱

میکند و تسلیم دار مجازات مینماید مقام دادستان اقامه عدل و قانون است مقام دادستان کیفر قاتل و جنایتکار است . کسیکه بناحق خونریخته و مرتکب قتل شده است از مقام دادستان میترسد ؛ ولی این ترس ناشی از جنایتکاری خود اوست . و در واقع ترس از مقام دادستان یعنی ترس از گناه و جنایت .

ان علیاً ( ع ) قال لرجل و هو یوصیه ، خدمنی خمساً :

لا یرجون احد کم الاربه ، و لا یخاف الا ذنبه . ( ۱ )

علی علیه السلام به مردی پنج اندرز داد ، از آن جمله : بهیچکس امیدوار نباشید مگر بخدا ، و نترسید مگر از گناهان خود .  
علی علیه السلام در این حدیث ترس مردم را منحصر نموده است بگناه .

در کشوری که عدل و قانون حاکم است و زور و خود سری در آن راه ندارد البته مردم از چیزی جز گناه خود نباید خائف باشند .

ترس از حکومت

قسمت دوم یعنی خوف از حکومت .

در اسلام ترس از حکومت فقط بمعنی ترس از کیفرهای قانونیست و بس . یک فرد مسلمان از شخص اول مملکت یا هیئت حاکمه نمیترسد و نباید بترسد . زیرا زمامدار حق ندارد با حدی زور بگوید یا بکسی آسیبی برساند در اسلام زمامداران بر سایر مردم امتیازی ندارند مگر آنکه در پیشگاه خداوند مسئولیتشان زیادتر است .



زمامداران علاوه بر مراعات حقوق و عدالت موظفند بامردم بمهر بانی و عطا و عطا  
بر خورد کنند و مراتب احترام و ادب را مراعات نمایند .

علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر فرموده است:

فاملك هواك وشح بنفسك عما لا يحل لك فان الشح بالنفس  
الانصاف منها فيما احببت و كرهت . و اشعر قلبك الرحمة  
للرعية و المحبة لهم و اللطف بهم و لا تكونن عليهم سبعا  
ضارياً نغتنم اكلهم (۱) .

حاکم برهوی و تمایلات خود باش ، و در انجام خواهشهای غیر  
مشروع نفس خویش بخل کن ، زیرا با بخل بتمایلات نفسانی خویش تن  
بعدل موفق میشوی و بآنچه مائلی یا ، بی میلی ، میتوانی منصفانه عمل کنی  
مباداروش معاشرت بامردم مانند جانور درنده ای باشد که خوردن آنها  
راغنیمت بشمیری دل خود را بوظیفه رحمت و محبت نسبت ب مردم آگاه  
کن و در باره آنان مهر بان باش .

عواطف زمامداران .

زمامداران مستبد و زور گوینده هوای نفس و خواهشهای غیر مشروع  
خود هستند و زمامداران عادل مخالف هوای نفس خویش و پیرو انصاف  
و فضیلتند و اخلاقاً نسبت ب مردم خیر خواه و مهر بانند .

رسول اکرم (ص) پیشوای بزرگ اسلام در مقام اجراء قوانین  
کیفری و مجازات گناهکاران بسیار جدی بود ، بهمین جهت مردم از  
ارتکاب جنایت میترسیدند ، و لی در معاشرتهای اجتماعی پدری رؤف

ومهر بان بود ؛ هیچکس از پیغمبر نمیترسید ، و اگر اتفاقاً ابهت پیغمبر کسی را میگرفت خود حضرت آنرا درهم میشکست .

عن ابن مسعود قال : اتى النبى ( ص ) رجل بكلمه فارعد فقال هون عليك فلست بملك ( ۱ )

### پیامبر مهر بان

ابن مسعود گفت مردی شرفیاب و محضر رسول اکرم شد ؛ خواست سخن بگوید ترسید ، حضرت فرمود مترس من شاه نیستم .  
بر خورد پیغمبر اکرم با مردم بقدری گرم و محبت آمیز بود که اشخاص با آنحضرت شوخیهایی میکردند که آن قسم شوخیها با افراد عادل مشکل بود .

نهى عليه السلام اباهريرة عن مزاح العرب ، فسرق نعل النبى ورهن بالتمر وجلس بخذائه ياكل . فقال (ع) يا اباهريرة ما تاكل؟ فقال نعل رسول الله . ( ۳ )

پیغمبر اکرم ابوهریره را از شوخی با عربها منع فرموده . روزی کفش حضرت را دزدید و در مقابل قیمت مقداری خرما ، نزد خرما فروشی گرو گذارد و آمد رو بروی حضرت نشست و مشغول خوردن خرما شد . حضرت فرمود اباهریره چه میخوری ؛ عرض کرد ، کفش پیغمبر را ! کدام زمامداری است که یک فرد عادی کشورش جرأت کند با او چنین مزاحی نماید و کفش او را نزد بقالی گرو بگذارد . خداوند در قرآن کریم این فضیلت اخلاقی و سنجیده روحانی رسول اسلام را از مراتب رحمت

و عنایت خود دانسته و فرموده است :

فبما رحمة من الله لنت لهم .

آنچنان بصفای دل خود ، نسبت با صحاب خویش علاقه داشت  
که فرمود :

لا يبلغني احد منكم عن اصحابي شيئا! فاني احب ان اخرج  
اليكم وانا سليم الصدر (۱)

کسی درباره اصحاب من مطلبی را که موجب دلسردی و رنجش  
خاطر است بمن نگوید ؛ دوست دارم بادلی پاک و سالم بجمیع اصحاب  
پیوندم .

حکومت آزاد علی (ع)

علی بن ابیطالب (ع) بزرگترین شاگرد مکتب اسلام درس آزادگی  
و انسانیت را از رسول اکرم ﷺ آموخته است ، در معاشرت با مردم  
عطوف و مهربان و در اقامه عدل جدی و ضریح بود .  
عدی بن حاتم در مجلس معاویه ضمن بیانات خود درباره علی (ع)  
چنین گفته است :

وكان فينا كما حدنا يجيئنا اذ اسألناه و يدنينا اذا اتينا و نحن  
مع تقربيه لنا و قربه منا لا نكلمه لهيبته و لا نرفع اعيننا اليه  
لعظمته . فان تبسم فعن اللؤ لؤ المنظوم . يعظم اهل الدين و  
يتحجب الى المساكين . لا يخاف القوى ظلمه و لا يياس الضعيف  
من عدله (۲)

(۱) بحار جلد ۶ صفحه ۱۵۲

(۲) سفینه «عدا» صفحه ۱۷۰

علی (ع) در بین مامانند يك فرد عادی ما بود ، بپرسشهای ما جواب میداد ، و چون نزداو میرفتیم با علاقمندی بما نزدیک میشد .

ولی اینهمه قرب و نزدیکی شخصیت بزرگ اورا مبتذل و بی ارزش نکرده بود ابهت و عظمت او بما اجازه حرفهای نا روا و نگاههایی نابجا نمیداد ، وقتی تبسم میکرد گوئی لبهایش از روی مروارید منظم کنار میرفت .

مردان با ایمان را بزرگ میداشت و نسبت بمستمندان با محبت و مهر برخورد میکرد . ستمگر نبود تا صاحبان قدرت از ظلمش خائف باشند ، در اقامه حق ناتوان نبود تا ضعفا از عدلش مأیوس گردند .

### امید اصلاح !

لطفاً اغلاط چاپی زیر، مربوط بمقاله دومنذهب را، قبل از مطالعه اصلاح بفرمائید

صفحه ۲۹۲	سطر ۱۰	انیست	غلط	نیست	صحیح
» ۲۹۴	» ۱۰	متجاوزند	»	متجاوزند	»
> ۲۹۸	» ۱۲	آمد	»	آید	»
» ۳۰۰	» ۹	شد که	»	شد	»
> ۳۰۱	» ۲	کلیسا است	»	کلیسا کاست	»
» ۳۰۱	> ۱۶	تحولاتی	>	تحولات	»
> ۳۰۴	> ۴	سرنیزه و	>	سرنیزه	»
> ۳۲۰	> ۸	بچنک	>	بچنک	»